

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی نرودی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۲۸ - دوشنبه ۹۱/۸/۱۵

مکلف به دنبال درک ثواب است ولو این ثواب با وعده‌ی تفضل خداوند قابل درک باشد، لذا هر کجا بیان شود اگر فلان عمل انجام شود فلان مقدار ثواب داده می‌شود انجام این عمل تفضلاً موجب ثواب خواهد شد؛ مثلاً روایت ضعیفی وارد شده است که مسواک زدن فلان مقدار ثواب دارد، انجام این کار به امید این ثواب باعث درک آن ثواب خواهد بود. البته برخی خصوصیات وجود دارد که در بحث‌های آینده مطرح خواهد شد.

اموری در اخبار من بَلَّغ

امر اول

این امر را شیخ انصاری در رساله‌ی تسامح در ادله‌ی سنن مطرح فرموده است که:
بر فرض دلالت اخبار من بَلَّغ بر استحباب عمل، آیا اخبار من بَلَّغ اثبات استحباب ذات عمل می‌کند یا اثبات استحباب ذات عمل به همراه قصد امر احتمالی و رجاء ثواب می‌کند؟
این دو با یکدیگر متفاوتند؛ مثلاً اگر گفته شود آنچه با اخبار من بَلَّغ اثبات می‌شود تسریح لحيه یا مسواک زدن است، می‌توان در رساله‌ی عملیه نوشت که ذات این عمل یعنی تسریح لحيه یا مسواک زدن مستحب است، اما اگر اخبار من بَلَّغ اثبات کند که این اعمال به اضافه‌ی امید ثوابش مستحب است نمی‌توان گفت ذات عمل مستحب می‌باشد.

۱. شیخ انصاری، التسامح فی ادلة السنن، ص ۳۹، تنبیه خامس عشر.

برخی از بزرگان فرموده‌اند^۱: بنا بر مبنای عدم افاده‌ی استحباب از اخبار مَن بَلَّغ، اساساً این بحث ساقط خواهد شد؛ زیرا مسأله‌ی مذکور مبنی بر ثبوت استحباب توسط اخبار مَن بَلَّغ است و وقتی استحباب از ادله استفاده نشود این مسأله و پرسش بی‌معنا خواهد بود.

ولکن به نظر ما می‌توان این بحث را بنا بر مبنای برگزیده مطرح کرد به این صورت که می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا تفضلی که وعده داده شده است، بر ذات عمل است یا بر ذات عمل به همراه قصدی که رجاء ثواب است؟ بنا بر احتمال اول اگر کسی ذات عمل را اتیان کند خداوند متعال از باب تفضّل، ثواب به او می‌دهد و اگر احتمال دوم تثبیت شود در صورت اتیان عمل به همراه رجاء ثواب، خداوند متعال ثواب مذکور را خواهد داد.

بلکه بنا بر مبنای مختار، این بحث مناسبت بیشتری دارد؛ زیرا حال که ثواب از باب تفضّل است نه استحقاق آیا خداوند به هر کسی که این عمل را اتیان کند تفضّل می‌کند یا اینکه این تفضّل مخصوص کسانی است که حصّه‌ی خاصی از عمل را که توأم با رجاء ثواب است اتیان می‌کنند؟ اگر مفاد ادله را استحباب ذات عمل بدانیم، از آنجا که بحث استحقاق نیز در آنجا مطرح است معنا ندارد که گفته شود اگر فرد ذات عمل را اتیان کند آیا مستحق ثواب است یا خیر؟ زیرا می‌دانیم بدون قصد قربت هیچ‌گاه فرد، مستحق ثواب نمی‌شود بلکه باید به نوعی این عمل مضاف به مولا باشد تا استحقاق ثواب داشته باشد و وقتی یک عمل هیچ اضافه‌ای به مولا نداشته باشد هیچ استحقاقی نخواهد داشت.

بنابراین طبق مبنای مختار می‌توان گفت از جهتی این بحث مناسبت بیشتری خواهد داشت.

حقیقت آن است که در مقام تحصیل ثواب بنا بر مبنای منسوب به مشهور که ذات اعمال را مستحب می‌دانند، فرد در به دست آوردن ثواب چاره‌ای جز قصد قربت ندارد؛ یا به نحو قطعی یا به صورت احتمالی. بنابراین از حیث تحصیل ثواب بنا بر مبنای مشهور به هر حال مکلف باید به نوعی قصد قربت کند و از این نظر بحث مذکور ارزشی نخواهد داشت. آری، از حیث دیگر دارای ارزش است و آن چنین است: اگر عمل بدون رجاء آورده شود می‌توانیم بگوییم عمل مستحبی را اتیان کرده است و احیاناً اگر نذر کرده باشد که مستحبی را (اعم از عبادی یا غیر عبادی) بیاورد، با اتیان عمل بدون رجاء بنا بر احتمال اول نذر او وفا شده است؛ زیرا خود نذر توصلی است و متعلق آن اتیان یک عمل مستحب توصلی است و لهذا نیازی به قصد قربت نخواهد بود.

۱. سید خویی، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۳۲۰.

بنابراین مسأله‌ای که شیخ مطرح فرمودند، مفید است اما تنها در این حدّ که دانسته شود آیا ذات عمل مستحب است یا ذات عمل به اضافه‌ی رجاء. اما از حیث کسب ثواب شکی نیست که اگر کسی ذات عمل را بدون اضافه‌ی به مولا بیاورد هیچ استحقاق ثوابی نخواهد داشت. آری مانعی وجود ندارد که خداوند ابتداءً و بدون استحقاق، تفضلاً افاضه‌ی ثواب فرماید.

کلام شیخ انصاری در مفاد اخبار من بَلَّغ

بعضی از جمله شیخ انصاری رحمته الله علیه قائل شده‌اند که آنچه از اخبار من بَلَّغ استفاده می‌شود آن است که عمل به اضافه‌ی رجاء ثواب، موضوع استحباب یا تفضّل است. بنابراین اگر کسی ذات عمل را بیاورد بدون آن ضمیمه، موضوع اخبار من بَلَّغ نخواهد بود.

دو دلیل بر این مدّعا اقامه شده است:

۱- فرموده‌اند مقتضای تفریع به فاء در اخبار من بَلَّغ آن است که ثواب بر عملی مترتب است که همراه رجاء ثواب باشد. در روایات آمده است: «مَنْ بَلَّغَهُ ثَوَابَ عَلِيٍّ عَلَىٰ عَمَلٍ فَعَمِلَهُ...» یا «مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَىٰ شَيْءٍ فَعَمِلَهُ...» انجام عمل متفرع بر خبری است که بر ثواب قائم شده است یا به تعبیر دقیق‌تر «فَعَمِلَهُ» مراد عملی است که به انگیزه‌ی ثواب مذکور در خبر انجام شده است.^۱ در نتیجه اگر بدون رجاء ثواب، عملی انجام شود مصداق اخبار من بَلَّغ نخواهد بود.

مناقشه در کلام شیخ انصاری رحمته الله علیه

این کلام مورد مناقشه قرار گرفته است، از جمله برخی اشکالات با استفاده از مبانی مرحوم آخوند وارد شده است. حاصل اشکال چنین است:

از آنجا که رجاء ثواب، داعی بر عمل است نمی‌تواند در خود عمل اخذ گردد؛ زیرا هر چه از قبل داعی بیاید نمی‌تواند داخل در متعلق داعی گردد.

توضیح بیشتر: داعی برای شرب آب توسط فرد عطشان سیراب شدن است، اما آیا عطشان ذات آب را می‌نوشد یا ذات آب به همراه قصد رفع عطش را می‌نوشد؟ روشن است که قید قصد رفع عطش متعلق نوشیدن نیست بلکه انگیزه و داعی نوشیدن، رفع عطش است و آب به اضافه‌ی قصد رافعیت عطش، رافع عطش نیست بلکه خود آب و ذات آن رفع عطش می‌کند، بنابراین داعی نمی‌تواند در مدعو اخذ شود.

۱. شیخ انصاری، التامح فی ادلة السنن، ص ۲۵.

در ما نحن فیه نیز رجاء ثواب داعی است و مانند قصد رفع عطش علت غائیه است، پس در متعلق خود یعنی مدعو، مأخوذ نیست، بنابراین نمی توان قصد رجاء را در عمل اخذ کرد.

نقد و بررسی مناقشه در کلام شیخ رحمته الله

حقیقت آن است که این بیان همان سخنی است که مرحوم آخوند در تعبّدی و توصلی مطرح فرموده اند؛ یعنی «ما لا یتأتی إلّا من قبل الامر لایمکن أن یؤخذ فی متعلق الامر»؛ آنچه که جز از ناحیهی امر نمی آید نمی تواند در متعلق امر اخذ شود.

هر چند در آن مبحث به تفصیل بیان کردیم اساس این سخن صحیح نیست، اما در بحث حاضر جواب دیگری می توان ذکر کرد:

در خصوص ما نحن فیه دو امر موجود است؛ یک امر احتمالی که مستفاد از خبر ضعیف است مانند: «مَنْ سَرَّحَ لِحِیْتِهِ فَهَلْ كَذَّابٌ» و بر فرض امری که به تسریح لویه شده است نتواند در متعلق خود همین امر اخذ شود و مبنای آخوند پذیرفته شود اما ربطی به ما نحن فیه ندارد؛ زیرا در ما نحن فیه امر دوّمی وجود دارد که مستفاد از اخبار مَنْ بَلَّغَ است؛ امری جدای از امر احتمالی مستفاد از خبر ضعیف، و چه مانعی دارد که امر دیگر بیان کند متعلق امر اوّل را با قصد امر احتمالی اتیان کنید، نظیر متمّم جعلی که مرحوم نائینی قائلند.

بنابراین حتی اگر سخن آخوند تمام باشد مربوط به جایی است که یک امر و یک متعلق وجود دارد، ولی در جایی که دو امر مفروض است اشکال مرحوم آخوند وارد نخواهد بود و هیچ محالیتی لازم نمی آید، مضافاً به اینکه در اصل مسأله در تشریحات ثابت کردیم مانعی ندارد که قصد امر در متعلق امر اخذ شود.

مقرّر: سید حامد طاهری

۱. «... لبداهة استحالة أخذ ما لا یتأتی إلّا من قبل الطلب فی متعلقه...». (کفایة الأصول، ص ۲۴)